

روی صحنه آبی

نگاهی به نمایش «وانیک»

دغدغه‌های نامشخص



یاسمن خلیلی‌فرد منتقد

● «وانیک» عنوان نمایش‌نامه‌ای از واسلاو هاول نمایش‌نامه‌نویس و نخست‌وزیر فقید اهل چک است که به کارگردانی بهار محمودزاده در تماشاخانه سپند روی صحنه رفته است.

متن اصلی این نمایش‌نامه شامل سه اپیزود است که شخصیت واحد هر سه اپیزود نویسنده‌ای مغموم به نام «وانیک» است، اما در اجرای اخیر، تنها دو اپیزود از نمایش‌نامه را می‌بینیم که با طنزی تلخ به مسائل مهمی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و خانوادگی می‌پردازد و البته محوریت تمامی این مباحث خود وانیک است. تماشای اجرای اخیر نمایش‌نامه «وانیک» در وهله اول مخاطب را با پرسشی اساسی مواجه می‌کند که دغدغه اصلی نویسنده آن چه بوده است؟ درواقع در طرح انگیزه‌ها، تصمیمات و کنش‌های شخصیت‌ها او بیشتر کدام بُعد از زندگی آنها را مدنظر داشته است؟ بُعد اجتماعی؟ بُعد فردی؟ کنش شخص با خویشن؟ با جامعه؟ ... نوعی سردرگمی در سراسر متن و خصوصا عدم کنش‌مندی شخصیت‌ها وجود دارد که مخاطب را نیز دچار می‌کند. تماشاگر خصوصا در اپیزود اول خود را با دو شخصیت به‌شدت منفصل روبه‌رو می‌بیند که با نوعی استیصال نامطبوع دست‌وپنجه نرم می‌کنند و جز چند شوخی نه‌چندان بامزه کلامی، هیچ عنصر محرکی در زیرلایه‌های متن دیده نمی‌شود تا مخاطب دست‌کم با اتکا بر آنها بتواند خود را با کار همراه کند. در پیرنگ اصلی داستان موقعیت‌های جالب‌توجهی به چشم می‌خورند که هیچ‌یک پرورش نمی‌یابند و به قصه تبدیل نمی‌شوند. این انفعال، در پرده دوم تا حدودی مرتفع می‌شود. با



ورود زوج جدید به نمایش و خصوصا بازی خوب بهاره رهنما، نمایش سمت‌وسوی مشخصی پیدا می‌کند و عناصر یک درام خانوادگی با رگه‌هایی از طنز خود را نشان می‌دهند. وانیک سرخورده و آشفته از اوضاع زندگی اجتماعی و نابسامانی‌های سیاسی با مشکلات جنسی و عاطفی نیز دست‌به‌گریبان است و دوستانش که زوجی خوشبخت و بورژوا هستند در تلاشند تا در رفح این مشکل به او یاری رسانند. با اینکه این بخش از نمایش بدنه‌ای قوام‌یافته‌تر دارد و درام آن در چارچوبی مشخص و قابل‌قبول شکل می‌گیرد، اما همچنان همان بی‌هدفی و غیردغدغه‌مندی پرده اول در پس پرده هست و باز هم این سؤال را برای مخاطب ایجاد می‌کند که اساسا چرا باید برش‌های نه‌چندان مهم و کارآمدی را از زندگی آدمی به تماشا بنشینیم که نویسنده‌ای موفق نشده حتی شناسنامه‌ای کلی و جامع را درباره او در اختیارمان قرار بدهد. ما زندگی وانیک را می‌بینیم که نه می‌شناسیمش و نه نویسنده تلاشی برای شناساندن او به ما می‌کند و نمایش بزرگ‌ترین ضربه را دقیقا از همین قهره‌های شخصیت‌پردازی می‌خورد. از طرفی به نظر می‌رسد متن روزی‌ای دید پنهانی دارد که احتمالا کارگردان در اجرای اخیر نتوانسته آنها را به شکلی که باید به تبلور درآورد و همین نقصان، کار را دچار ابهام کرده است.

ضمن آنکه وقتی یک بخش از یک اثر سه‌اپیزودی حذف می‌شود قطعا لطماتی به بدنه کلی اثر وارد می‌شود. نمایشی که قرار بوده پیام خود را در قالب یک تریلوزی به مخاطب منتقل کند، حالا تنها دو اپیزود دارد و بی‌شک چنین انتخابی تبعاتی را برای نمایش به بار آورده است.

علی اوجی، بازیگر یکی از نقش‌های اصلی این نمایش، در کنار تمامی حواشی ایجادشده انتخاب درستی است. اوجی نقش را از خود عبور داده و آن را در باور تماشاگر می‌نشانند. جدا از دیالوگ‌ها و خرده‌فتارهای بامزه آقای رئیس، بازی بازیگر نیز کمک بسزایی به شکل‌گیری آن کرده و از طرفی طنز تلخی را در قالب فضایی رئالیستی به بار می‌نشانند. این ویژگی در بازی بهاره رهنما نیز دیده می‌شود و باید اذعان کنم یکی از نقاط قوت این نمایش بازی‌های آن است؛ بازی‌هایی که با هم و با جنس و بافت کلی کار هماهنگند.

با وجود آنکه «وانیک» یکی از پرفرقدارترین و پرجراترین نمایش‌نامه‌های روز دیاست، برخی اشکالات در نحوه اجرا و شاید افعال در پرداختن به زیرلایه‌های متن و کشف ابعاد مهم و پنهان‌مانده آن اجرای جدید آن را به اجرائی بسیار معمولی بدل کرده که قطعا جای کار بیشتری داشت؛ اجرائی که کار را در اندازه یک نمایش سرگرم‌کننده نگه می‌دارد.

«نان» بعد از یک دهه که از اولین تولیدش در جشنواره تئاتر دانشگاهی می‌گذرد، برای بار پنجم بازتولید شده و در تالار حافظ ساعت ۱۱۹ اجرا می‌شود و هنوز هم لبریز از اندیشه است و به لحاظ شکل و فرم نیز با زیبایی‌شناسی دقیق و افسونگری تماشاگر را به خود متوجه می‌کند. داستان این نمایش در مورد انسان‌هایی است که درگیر کسب درآمد هستند. بازیگران این نمایش به ترتیب حروف الفبا عبارت‌اند از آزاده احمدآبادی، سارا پهلوانی، هلیا خورشیدی، زهرا سلیمیان، مهسا شیخی و حسین مهدوی. نصیرملکی جو یکی از کارگردانان نوجوو خلاق است که با نمایش «نان» نامش سر زبان‌ها افتاد و پس از آن نیز چند تجربه آوانگارد دیگر را به صحنه آورد. در این بلبشویی که همه به دنبال بازارگرمی و گیشه بهتر هستند؛ پای گفت‌وگوی نصیر ملکی‌جو، کارگردان، طراح و نویسنده نجوی کشور عزیزمان ایران نشسته‌ایم که از منظر او درباره نان و دیگر آثارش بپرسیم که در ادامه می‌خوانید:

❧ چرا نان برای بار سوم دارد تکرار می‌شود؟ نان، نمایشی برآمده از روحیه دوران مؤلفش است. اولین بار این کانسپت اجرائی در سال ۱۳۸۶ رونمایی شد که می‌شود گفت چیزی حدود ۱۲ سال از آن زمان می‌گذرد. آنچه در این میان قابل توجه است، شهود هنرمند است، به عنوان روایت‌کننده دوران معاصرش. من ترجیح می‌دادم نمایش نان هرگز اجرا نمی‌شد و حتی ساخته نمی‌شد. اما چه کنم که شرایط بد اقتصادی هر روز بیشتر می‌شود و نمایش به جای رنگ کهنگی به خود گرفتن، رنگ تازگی به خود می‌گیرد.

❧ آیا در این سه بار تغییرات و دگرگونی هم در شکل اتفاق افتاده است؟

با درنظرگرفتن نسخه اولیه نمایش که در سال ۱۳۸۶ در جشنواره تئاتر دانشگاهی و تحت عنوان نمایش «در اکتبر ۱۸۱۵ آزاد شد، سال ۱۷۹۶ وارد آنجا شده بود به جرم شکستن پنجره و برداشتن یک نان، اجرا شد، می‌شود گفت که این نمایش تا به حال بیش از پنج بار اجرا شده است؛ دو سال پیاپی در جشنواره تئاتر دانشگاهی، دو اجرای عموم در

عسل عباسیان: نمایش «عاشقانه‌های خیابان»، به کارگردانی «شهرام گیل‌آبادی» از ۲۶ خرداد در تماشاخانه ایران‌شهر روی صحنه رفته بود و نزدیک به ۲۰ اجرا با ظرفیت کامل داشت، به ناگهان روز دوشنبه ۱۷ تیرماه، به دلایلی نامعلوم توقیف و بلیت‌فروشی آن متوقف شد. در ابتدا از کارگردان این نمایش شرح ماجرا را جویا شدیم و او اعلام کرد که از دلیل این توقف خبر رسمی نداریم و نمی‌دانیم به چه علت بلیت‌فروشی ما متوقف شده است و بعدمدیر روابط عمومی مرکز هنرهای نمایشی در گفت‌وگویی با خبرگزاری‌ها اعلام کرد برخلاف بازبینی‌های اولیه یک سری اتفاقات غیرقابل پیش‌بینی در نمایش رخ داده و همین باعث این توقیف شده است و پس از اصلاح و رعایت موارد، گروه می‌تواند این نمایش را روی صحنه ببرد و اما چند روز بعد این کارگردان اعلام کرد که مجوز این نمایش لغو شده است.

شهرام گیل‌آبادی در این باره به خبرگزاری‌ها گفت: تاکنون در زمینه توقیف آن، هیچ‌گونه اطلاع‌رسانی رسمی توسط آفیس و پیش از اینکه به ما اطلاع دهند، فروش آنلاین بلیت آن را متوقف کرده‌اند.

گیل‌آبادی در مورد مشکلات احتمالی پیش‌آمده گفت: من واقعا هیچ تصور و اطلاعی در این مورد ندارم. برخی اصلاحات بود که به ما اعلام شد و ما آنها را اعمال کردیم اما نمی‌دانم که آیا این توقیف بر اساس یک حکم قضائی یا دستور مرکز هنرهای نمایشی بوده یا نه.

وی در ادامه اظهار کرد: روش درست این بود که به ما دلیل توقیف را اطلاع دهند و ما هنوز هم منتظر تماس آنها هستیم. اما در هر صورت من به احترام تماشاگر رأس ساعت شش امنتب به سالن تماشاخانه ایران‌شهر خواهم رفت، حتی اگر اجرا نداشته باشیم و امیدوارم کار به جایی نرسد که در پارک اجرا کنیم.

در خلاصه این نمایش که به صورت مشترک توسط محمد چرمشیر و بهمن عباسپور نوشته شده، آمده است: «عاشقانه‌های خیابان» روایتی خاص از زندگی پیچیده و دشوار زنان دست‌فروش در خیابان‌ها و مترو است و رضا یزدانی، سیما تیرانداز، الهام پناه‌نژاد و ژاله صامتی بازیگران این نمایش بودند.

نامه سرگشاده گیل‌آبادی به سران کشور

اما روز بعد از توقیف، اعلام شد که این نمایش لغو مجوز نشده است. پس از توقیف و لغو مجوز بدون توضیح این نمایش، شهرام گیل‌آبادی

گفت‌وگو با نصیر ملکی‌جو، کارگردان نمایش «نان»

ترجیح می‌دادم نمایش «نان» هرگز اجرا نمی‌شد



عسل، سارا پهلوانی، نیوال

زیبایی‌شناسی تئاتر اروپایی مطابقت دارد. ضمنا، برای بازیگران نیز چالش درستی را به وجود می‌آورد که خود را موظف می‌بینند تا از زبان بدنشان در ایجاد درک موضوع بهره بگیرند.

❧ نان در این نمایش حالت شی‌وارگی پیدا می‌کند و چرا باید چنین شود؟

نان در این نمایش، به عنوان سمبلی از هرگونه شی در نظر گرفته شده که از ویژگی‌های مادی برخوردار است و جزئی از دارایی‌های یک فرد به شمار می‌رود. با این تعریف کلی، هر بلایی که بر سر نام می‌آید به شکلی دومینووار تمام احتیاجات مادی بشر را در بر خواهد گرفت.

❧ با آنکه شکل و فرم وجود دارد اما نان چرا باید ما را لبریز از معنا و تفکر کند؟

این ویژگی که بتوان از ادبیات عبور کرد و کلمات را در بستری از تصاویر به‌هم‌پیوسته روایت کرد، مدت‌ها ذهن من را به خود مشغول کرده بود؛ مثلا در نمایش کردن یا نمایش مسخ، من تلاش کردم به یک روایت استعاری نزدیک بشوم؛ به‌طوری‌که هم شکل روایی و چیدمان کلاژگونه صحنه‌ها را تحت‌الشعاع قرار دهم و هم رفتار بدنی بازیگر را. در این شکل ویژه اجرائی ناخودآگاه تماشاچی هدف قرار می‌گیرد و بدون اینکه قادر به تشخیص دقیق آن باشد، وارد مرحله‌ای از درک ناخودآگاه یا خوانش ناخودآگاه روایت می‌شود. نمایش نان نیز از این قاعده مستثنا نیست، با این تفاوت که در این نمایش، ما از نشانه‌شناسی‌هایی منطقی‌تر استفاده

می‌کنیم که بیش از اینکه به استعاره نزدیک باشد به سمبل‌ها و کهن‌الگوهای شناخته‌شده نزدیک است. با این تعریف، [بریدن زبان]، یا [اندازه متفاوت صندلی‌ها]، یا [اتمساح]، معنای واضح‌تر و همه‌فهم‌تری به خود می‌گیرند. خصوصا اینکه، نان، درد مشترکی را مورد توجه قرار داده که برای عموم مردم قابل درک است. مثلا بگذارید، صحنه نهایی نمایش را برایتان تعریف کنم. در صحنه نهایی ما کارگرهایی با ماسک‌های یک‌دست را می‌بینیم که در حال چیدن دیواری هستند. قرار است به شکل نمادین با چیده‌شدن یک ردیف و آمدن صدای زنگ پایان کار، ما متوجه گذر روز بشویم. بعد از چیده‌شدن هر ردیف آجر، بازیگران، حقوق می‌گیرند، در صف می‌ایستند و از نان‌فروش، نان می‌خرند. این روند ادامه پیدا می‌کند و قیمت نان در هر روز با اضافه‌شدن یک سفر در برابر عدد اولیه که ۱۰ بوده است، بیشتر می‌شود و طبعاً چون حقوق آنها همان حقوق اولیه است، نان آنها کوچک‌تر می‌شود. دیوار بالاتر و بالاتر می‌رود، جوری که دیگر تماشاچی قادر به دیدن روبه‌رویش نیست. صفرها نیز، آن‌قدر زیاد می‌شوند که دیگر قابل خوانش نیستند. در انتها تماشاچی دیواری را -در سکوت- می‌بیند که تیر چراغی از پشت آن بیرون آمده است. همه آنچه روایت شد در لحظه و به‌راحتی برای تماشاچی قابل تشخیص است و دلایلش هم استفاده از عبارات معنایی است که در کهن‌الگوها به چشم می‌خورد. به این معنا، چراغ، سوسوی امید و دیوار نشانه‌ای از یک بن‌بست خواهد بود.

❧ با بازیگران تازه‌ای وارد تمرین و اجرا شده‌اید، جقدر این روال برای یک گروه مفید یا بازدارنده است؟

شرایط بازتولید، همیشه ایجاب می‌کند که بخشی از بازیگران به‌دلیل گذشت زمان و غیرقابل‌دسترس بودن، تغییر کنند. البته در این نمایش، بازیگران به صورت کلی عوض شده‌اند. گروه تازه، شرکت‌کنندگان در ورک‌شاپ اخیر من بوده‌اند و همه با انگیزه و نیرویی مضاعف به نمایش اضافه شده‌اند که فکر می‌کنم در روند تازه‌سازی نمایش سهیم خواهند بود.

❧ آیا کارهای دیگرتان را هم وارد بازتولید می‌کنید؟

به غیر از نمایش «نان» و نمایش «هفت کوتوله» که با روحیه دوران‌شان هماهنگ‌اند قصد بازتولید نمایش دیگری را ندارم.

زیر آسمان فیروزهای

رونمایی دربرنامه «دوشنبه‌های نقدتئاتر»؛

فراهمانی و فتحعلی‌بیگی از «اوستاد نوروز پینه‌دوز» می‌گویند



● **گروه هنر:** جلسه نقد و بررسی نمایش «اوستاد نوروز پینه‌دوز»، نوشته میرزا احمدخان کمال‌الوزاره‌محمودی و به کارگردانی رحمت امینی، روز دوشنبه، ۳۱ تیر، در تالار مشاهیر مجموعه تئاتر شهر برگزار می‌شود. به گزارش واحد ارتباطات، آموزش و پژوهش مجموعه تئاتر شهر، جلسه نقد و بررسی نمایش «اوستاد نوروز پینه‌دوز»، نوشته میرزا احمدخان کمال‌الوزاره‌محمودی و به کارگردانی رحمت امینی و مراسم رونمایی از چاپ تازه این نمایش‌نامه پس از یکصد سال از تألیف اثر ساعت ۱۷ روز دوشنبه، ۳۱ تیر، در تالار مشاهیر مجموعه تئاتر شهر برگزار می‌شود. در مراسم رونمایی، بهزاد فراهمانی و داوود فتحعلی‌بیگی، دو نفر از هنرمندان حوزه تئاتر ملی، حاضر خواهند بود و درباره این متن سخنرانی خواهند کرد. همچنین در این نشست رضا آشفته و جواد روشن، دو نفر از اعضای کانون ملی منتقدان تئاتر ایران، درباره این نمایش‌نامه و اجرای رحمت امینی از این متن نقد و نظرشان را اعلام می‌کنند.

رحمت امینی، نمایش‌نامه‌نویس، کارگردان و استادیار دانشگاه تهران-پس از تجربه‌های اخیرش، نمایش‌های «جیگه‌کلیشه»، نوشته ذبیح بهروز و «جعفرخان ازفرنگ‌رگشته»، نوشته حسن مقدم، این‌بار با نمایش «اوستاد نوروز پینه‌دوز» که حدود صدسال پیش برای نخستین‌بار منتشر شده است، در تالار قشقایی تئاتر شهر حضور دارد. «اوستاد نوروز پینه‌دوز» که به سال ۱۲۹۸ توسط میرزا احمدخان کمال‌الوزاره‌محمودی به رشته تحریر درآمده، توسط حامد مکملی بازنویسی شده و با کارگردانی رحمت امینی از ۹ تیرماه ۱۳۹۸ در سالن قشقایی مجموعه تئاتر شهر اجرای خود را آغاز کرده و قرار است تا ۱۸ مردادماه نیز ادامه یابد.

این نمایش که هر روز ساعت ۲۰:۳۰ در تالار قشقایی روی صحنه می‌رود، داستان استاد نوروز پینه‌دوز فقیری است که با وجود داشتن دو همسر، با دبدبن زنی زیبا، مجددا هوس ازدواج می‌کند و برای رسیدن به آن تلاش می‌کند.

معرفی آثار پذیرفته‌شده دوبخش جشنواره نمایش‌های آیینی و سنتی

گروه هنر: بخش نمایش‌های عروسکی سنتی با عنوان یادواره استاد کاکا محمد شیرازی برگزار می‌شود که ۹ اثر برای اجرا در آن انتخاب شده‌اند. در بخش پاتوق نمایش‌های سنتی کودک و نوجوان که با عنوان بخش ویژه استاد هنگامه مفید در جشنواره نمایش‌های آیینی و سنتی برگزار می‌شود، درمجموع ۳۰ اثر به جشنواره راه یافته که چهار اثر برای اجرا در شهر کاشان که یکی از میزبان‌های جشنواره است، انتخاب شده‌اند. افسانه زمانی، هادی عامل و مهدی صفاری-نژاد اعضای هیئت انتخاب این دو بخش از جشنواره هستند.

اسامی آثار بخش نمایش‌های عروسکی سنتی:

۱) نمایش «پهلوان کچل» که نویسنده‌کی و کارگردانی عباس نجاری از جزیره کیش
۲) نمایش «پهلوان کچل ۱۸عیاری» نوشته سجاد طهماسبی به کارگردانی علی محمدی از تهران
۳) نمایش «جی جی بی جی» به کارگردانی علیرضا حیدریور از شیراز
۴) نمایش «سعیدی‌نامه» به نویسنده‌کی و کارگردانی افشین قاسمی از تهران (مشروط)
۵) نمایش «سلیم‌خان در بارگاه مبارک» به نویسندگی و کارگردانی حسین ربیعی از شهرری
۶) نمایش «گری، (اسب سلیم‌خان)» به نویسندگی و کارگردانی صفرعلی محمدزاده از تهران
۷) نمایش «مقصود کیسه» به نویسنده‌کی و کارگردانی شراره یوسفی از کرج
۸) نمایش «منوع» نوشته سوسن هاشمی و کارگردانی ساسان مهرپیوان از تهران
۹) نمایش «لحاف ننه‌سرام» به نویسنده‌کی و کارگردانی علی جباری از تهران
اسامی آثار پذیرفته‌شده بخش پاتوق نمایش‌های سنتی کودک و نوجوان:
۱) نمایش آیینی «آق‌قوین» نویسنده استاد عموزاده مانه حسن‌زاده از تبریز
۲) نمایش «دختر قهرمان و میر نوروزی» به نویسندگی و کارگردانی رش آرمند از تهران
۳) نمایش «قصه بخت» نوشته داوود فتحعلی‌بیگی به کارگردانی سپیده معصومی‌نسب از تهران

و ...

نوزدهمین جشنواره نمایش‌های آیینی و سنتی از ۱۹ تا ۲۶ مردادماه به دبیری داوود فتحعلی‌بیگی در تهران و کاشان برگزار می‌شود.

هنر

پرونده توقیف و لغو مجوز یک نمایش پس از ۲۰ روز همچنان باز است

«عاشقانه‌های خیابان» آخری نخواهد بود



عکس، سارا پهلوانی، نیوال

اعتراض انجمن بازیگران خانه‌تئاتر

انجمن بازیگران خانه تئاتر با محکوم‌کردن توقیف نمایش «عاشقانه‌های خیابان»، توقیف، تهدید و محدودیت را از امور روزمره تئاتر دانست و تاکید کرد که هیچ‌کس پاسخ‌گوی امنیت حرفه‌ای و روانی گروهی که با کار نمایش اجرا می‌کنند، نیست. انجمن بازیگران خانه تئاتر در اعتراض به توقیف نمایش «عاشقانه‌های خیابان» بیانیه‌ای را منتشر کرد.

متن بیانیه انجمن به این شرح بود: «توقیف و تهدید و محدودیت، دیگر از امور روزمره تئاتر شده است و در این میان کسی پاسخ‌گوی امنیت حرفه‌ای و روانی گروهی که با کاری جان‌فرسا نمایشی را اجرا می‌کنند، نیست. در شرایط دشوار و پراضطراب کنونی که به‌صحنه‌بردن یک نمایش خود جسارت و همتی بیش از پیش می‌طلبد، توقیف هر نمایش نه تنها باعث خسارت اقتصادی، بلکه لطمات روحی به بازیگران و کارگردان و عوامل نمایش می‌شود. دم به دم دایره حیات تئاتر محدودتر می‌شود. فشارهای بیرونی که در ابتدا با حملات رسانه‌ای آغاز می‌شود، به تحمیل نظرات به مسئولان محتاط تئاتر منجر و دست آخر حتی با دخالت مستقیم نهادهای غیرمسئول مواجه می‌شود.

به‌تازگی بهانه بدیع‌ی نیز بساخته شده است و آن عدم تطابق اجرا با تصاویر ضبط‌شده بازبینی است. گویی مدیران مربوطه نمی‌دانند (و شاید می‌دانند) که تئاتر موجودی زنده است و تفاوت اجرای هر روز با روز دیگر از ویژگی‌های هنر نمایش است. در این میان تکلیف نمایش‌های تعاملی چه می‌شود؟ با چنین محافظه‌کاری تحمیلی تکلیف